

در سالگرد اعتصاب کارگران ایران خودرو

کمیته هماهنگی (منطقه تهران)

بیستم اسفند ماه هشتاد و شش

جمع بندی تجارب و درس های مبارزه برای آینده

درست دو سال پیش بود که کارگران شرکت «ایران خودرو» برای احقاق ابتدائی ترین حقوق خود دست به اعتصاب زدند. انگیزه مستقیم اعتصاب، کاهش پرداخت چیزی به نام «حق رکورد» (!) بود. پیش از هر چیز روی این پدیده و این نام اندکی درنگ کنیم. لفظ «رکورد» در واژه نامه سرمایه و در آنجا که به تولید و کار و زندگی کارگران برمی گردد معنای بسیار روشنی دارد. فرسایش جسمی و روحی تا سرحد نیستی کارگران با هدف فربه سازی و ازدیاد بی مرز سود صاحبان سرمایه، مناسب ترین عبارتی است که برای بیان این معنی می توان پیدا کرد. سرمایه تا هر کجا که توان دارد کار کارگر را به کار اضافی یا اضافه ارزش و سود تبدیل می کند، کارگر را زیر فشار شدید استثمار به لب پرتگاه مرگ می کشاند و در این جا، بر بام بلند پرتگاه مرگ او و فرزندانش، جلاد وار عربده سر می دهد که که راه رهائی تو از سقوط حتمی و فوری فقط کار بیشتر، تولید افزون تر و ایجاد سود فراوان تر برای سرمایه داران است. از او می خواهد که رکورد تولید را بشکند. معنای رکورد و حق رکورد در کارخانه ایران خودرو نیز مثل همه جاهای دیگر هیچ چیز سوای این نبود. کارگر ایران خود رو در موقعیت ضعیف جنبش طبقه خود به این کار رضایت داد. او قبول کرد که باز هم خود را هر چه عمیق تر بفرساید، هر چه بیشتر نابود کند، سود سرمایه را هر چه عظیم تر افزایش دهد، شاید در این گذر لقمه نانی به شکم گرسنه فرزندش برساند. قبول طرح ضد انسانی و جنایتکارانه کارفرما برای افزایش رکورد از جانب کارگران به طور قطع کاری درست نبود، اما دو چیز آنان را مجبور می ساخت تا به این کار تن دهند. درستی و نادرستی موضوع را نیز تنها در این گذر و با توجه به این عوامل می توان به داوری نشست. اولاً کارگران فاقد جنبش استخواندار، نیرومند و متشکل طبقه خویش بودند تا با تکیه بر آن، بدون تن دادن به طرح رکورد تولید، مطالبات روز خود و سطح بالاتر دستمزد را بر سرمایه داران و دولت آن ها تحمیل کنند. دوم این که زیر فشار گرسنگی، نه فقط خودشان که همه افراد خانواده شان به مرگ تهدید می شدند. برآیند فشار این دو عامل باعث شد که کارگران به قبول این طرح یکسره ضد بشری و سفاکانه تن دهند. آنان «رضایت» (!) دادند. اما توحش و بشرستیزی سرمایه در هیچ کجای جهان، چه رسد در زیر چتر دیکتاتوری هار نظام حاکم، به هیچ مرزی بسنده نکرده و نمی کند. سرمایه داران حتی از پرداخت همان چیزی که خود وعده داده بودند، یعنی پرداخت «حق رکورد تولید» یا مبلغ ناچیز خون بهای سلاخی جسمی و روحی کارگران هم سرپیچیدند و درست در اینجا بود که کارد به استخوان نشست. کارگران یکصدا دست به اعتراض زدند و سرانجام در روز ۱۷ اسفند سال ۸۴ مصادف با ۸ مارس چرخ تولید را از کار انداختند.

با شروع اعتصاب، ماشین توطئه و عوام فریبی سرمایه نیز در کنار دستگاه های سرکوب و کشتارش راه افتاد. مدیران

شرکت با مشاهده توقف چرخ تولید سود یادشان آمد که قرار بوده است حق رکورد تولید را بپردازند! آنان به دست و پا افتادند تا کارگران را به سر کار باز گردانند. در اینجا نیز ضعف، بی سازمانی و پراکندگی قدرت پیکار طبقاتی همه آثار شوم و زیانبار خود را بر کارگران تحمیل کرد. باز هم کارگران خود را مجبور یافتند که در قبال وعده و وعیدها به اعتصاب پایان بخشند. در مقابل این وضع، صاحبان سرمایه نه فقط راه مشخص همیشگی خود را دنبال کردند که همه پاشنه آشیل ها، نقاط ضعف جنبش کارگران و نیاز حاد آن ها به فروش شبه رایگان نیروی کار برای کاهش فشار گرسنگی را هم به سلاح های مؤثر مقابله با مبارزات آنان مبدل ساختند. در همان حال، شمار قابل توجهی از اعتصاب کنندگان را از کار اخراج کردند و به عنوان نتیجه بلافصل آن، شدت، سرعت و سختی کار همزنجیران باقی مانده آن ها را بیش از پیش افزایش دادند. کارگران به این اقدام کارفرمایان معترض شدند و خواستار بازگشت همکاران اخراجی خویش گردیدند. صاحبان سرمایه اما در مقابل این اعتراضات با سرسختی تمام مقاومت کردند و اشتغال مجدد اخراج شدگان را به تعویق انداختند و در نهایت تعویق به محال کردند.

تا اینجا چند چیز روشن است. قبول طرح رکورد تولید از سوی کارگران و تن دادن آنان به فرسایش هولناک تر برای صاحبان سرمایه بسیار بیش از آن که بتواند راهی برای بهبود زندگی باشد گامی در نشان دادن موقعیت ضعیف کارگران و جنبش آنان بود. نه طبقه کارگر و نه هیچ شماری از کارگران نمی توانند از این طریق فشار سهمگین گرسنگی ناشی از استثمار مرگبار سرمایه را بر گرده خود بکاهند. با عقب نشینی بیشتر و بیشتر در مقابل سرمایه نمی توان به پیشواز تدارک پیکار نیرومندتر علیه سرمایه داری رفت. با تن دادن به کار بیشتر، با قبول کارهای فرساینده تر و شاق تر، با کاهش مداوم انتظارات، با عقب نشینی از مطالبات پایه ای، با قبول زندگی بدتر و بدتر از هر اس مرگ نمی توان حتی یک ریال افزایش حقوق و مطالبات را بر سرمایه داران تحمیل کرد. هر گام عقب نشینی و هر میزان تن دادن در مقابل آنچه صاحبان سرمایه بر ما تحمیل می کنند صرفاً نفت بیشتری است که آتش طغیان تهاجم سرمایه را شعله ورتر می سازد. تنها راه کاهش حتی سر سوزنی از سیه روزی ناشی از فشار استثمار و اجحافات سرمایه داری، مبارزه نیرومندتر، طرح مطالبات بالاتر، سازمانیابی گسترده تر جنبش ضد سرمایه و به کارگیری مؤثرتر توان پیکار طبقاتی علیه صاحبان سرمایه و دولت آن هاست.

اولین نتیجه گیری مدیران شرکت از اقدام کارگران در قبول طرح رکورد تولید این بوده است که به هر حال در این توازن قوای وحشتناک میان کارگران و شرکت می توان نارضائی ها و شعله های خشم کارگران را از راه های کاملاً سرمایه دارانه و مناسب افزایش سود سرمایه، خاموش ساخت. از این گذشته، مدیران شرکت با درک این وضعیت فرصت را برای اخراج کارگران و تحمیل شدت، سرعت و سختی بیشتر کار بر همزنجیران شاغل آنها مغتنم شمردند. این ها واقعیت های تلخی است که امروز در پیش روی ماست. همه چیز بیانگر آن است که موقعیت ضعیف و پراکنده قدرت طبقاتی، زنجیر وار فاجعه پس از فاجعه را بر ما تحمیل می کند، عقب نشینی های ناشی از این ضعف و پراکندگی، توان حمله و تعرض دشمن را ده چندان می سازد، ما را به سوی توسل به راهکارهایی سوق می دهد که شالوده آن ها نه تحمیل خواست های خود بر سرمایه بلکه تن دادن به استثمار وحشیانه تر سرمایه داران از ماست. این مسیر به صورت بسیار هولناکی سیاه و بدفرجام است و جز شدت لحظه به لحظه سیه روزی های ما هیچ دورنمایی ندارد. ۳۰ سال است که به طور بی امان عقب نشسته ایم، هیچ روزی نبوده است که وضع ما از روز قبل بدتر نباشد.

همه چیز با صدای بلند بانگ می زند که جز پیکار سازمان یافته، متحد و نیرومند علیه سرمایه داری هیچ راه دیگری برای زندگی و زنده ماندن باقی نمانده است. ما باید علیه سرمایه داری به طور سراسری متحد شویم و کارگر ایران خودرو می تواند و باید در شعله ورساختن پیکار کارگران ایران، در سراسری کردن آن و در سازمانیابی سراسری ضد سرمایه داری آن نقش بسیار مهمی ایفا کند. اما برای این کار قبل از هر چیز باید آخرین مایه های توهم به امکان مماشات با نظام سرمایه داری را از تمامی تار و پود وجود خود پاک سازد. ما بر این باوریم که تلاش وسیع و سازمان یافته برای متحد کردن همه کارگران ایران حول محور تحمیل ۶۰۰ هزار تومان به عنوان حداقل دستمزد ماهانه بر صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داری می تواند شالوده محکمی برای سازمانیابی سراسری توده های کارگر علیه سرمایه داری باشد.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۱۳۸۶/۱۲/۱۷

www.hamaahangi.com